درخت و درختکاری در آموزه های اسلامی (2) (اسلام و محیط زیست)

پدید آورنده : عسکری اسلام پور ، صفحه 4

وجوب آبیاری درختان

عده ای از فقهای عظام، آبیاری درختان و حفاظت از باغ ها و مزارع را از از خشکیدن، الزامی دانسته اند. چنان که فاضل هندی(ره) از فقهای برجسته شیعه، آن را واجب دانسته است، و همچنین شهید ثانی در شرح لمعه چنین نوشته است: «درباره این که آیا آبیاری مزارع و درختان و نگهداری از آن ها در صورت امکان واجب است، میان فقها دو نظر وجود دارد ؛ نظر مشهورتر آن است که آبیاری واجب نیست.»1

از عبارت شهید ثانی (ره) به روشنی استفاده می شود که نظریه وجوب آبیاری درختان و مزارع در صورت امکان، میان فقها مشهور است ؛ بلکه علامه حلی (ره) نوشته است: صاحبان درختان را باید حاکم مجبور نماید که درختان و مزارع خود را آبیاری کنند.

برخی از فقهای معاصر نیز آبیاری درختان و گیاهان را در صورت امکان، واجب می دانند.2

حکمت وجوب آبیاری درختان و گیاهان در این است که آن ها در زمره موجودات زنده اند و نوشانیدن آب به موجود زنده عملی پسندیده و در خور پاداش است ؛ چنان که در روایات اسلامی آمده است که دادن یک لیوان آب به دست شخص تشنه، ثواب بسیار بزرگی دارد و از همین رو، مسلمانان همیشه آب دادن به دیگران را نوعی عبادت به حساب می آورند و در انجام آن بر یکدیگر پیشی می گیرند و برای به دست آوردن چنین ثوابی ظرف ها و آب سردکن های مختلف در کوچه ها و معابر قرار می دهند تا به اجر معنوی آب دادن به دیگران دست یابند.

از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که فرمود: «هر کس ظرف آبی به مؤمنی بدهد، اگر آن مؤمن خود می توانسته آب به دست آورد، ثواب هفتاد هزار حسنه دارد و اگر آن مؤمن نمی توانسته آب تهیه کند، ثواب آزاد کردن ده برده از فرزندان اسماعیل (علیه السلام) برای اوست».3 در هنگام ذبح حیوان نیز یکی از مسائلی که مورد توجه مسلمانان است، استحباب آب دادن حیوان در شرف ذبح است. درختان و گیاهان نیز همانند حیوانات و انسان ها در زمره موجودات زنده قرار دارند؛ بنابراین، سیراب ساختن یک درخت و گیاه و آبیاری آن ها، مانند دادن آب به یک انسان تشنه است. چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «من سقی طلحة أو سدرة فکأنّما سقی مؤمناً من ظمأ»؛4 هر کس درخت خرما یا سدری را آبیاری کند، مانند آن است که انسان مؤمنی را از تشنگی رهانیده و سیراب ساخته است. در این روایت، آبیاری یک درخت ـ که بسیار بعید است این حکم مختص به درخت خرما و سدر باشد ـ به آب دادن به انسان مؤمن و تشنه ای تشبیه شده است. البته واقعیت نیز همین است ؛ زیرا کاشتن درختان و پدید آوردن باغ ها و پارک و بوستان در حقیقت، خرمی و سرسبزی را در زمین پدید می آورد که مهم ترین نتیجه آن سلامت و حیات انسان و سایر موجودات است.

سیره پیشوایان معصوم (علیهم السلام)

در منابع اصیل روائی اسلام آمده است که انبیای الهی به کشاورزی و درختکاری ارج می نهادند و خود پیوسته به آن اشتغال داشتند. به طور کلی، همه انبیای الهی به گونه ای در عصر خویش، در ایجاد سرسبزی و حفظ آن کوشا بوده اند ؛ چنان که امام صادق(علیه السلام) فرمود: «ما بعث اللّه نبیّاً، الا زرّاعاً»؛5 خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که به زراعت می پرداخت.

در روایت دیگری آن حضرت فرمود: «همه پیامبران خدا، جز «ادریس(علیه السلام)» کشاورز بوده اند.»6

بر اساس روایات، هنگامی که آدم ابوالبشر پا به عرصه زمین نهاد، احساس گرسنگی کرد، جبرئیل امین از آسمان فرود آمد و کشاورزی و درختکاری را به او آموخت.

مرحوم کلینی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که حضرت فرمود: «آنگاه که آدم به زمین هبوط کرد، به غذا و آب نیازمند شد و به جبرئیل شکایت کرد. جبرئیل در پاسخ وی گفت: ای آدم باید کشاورزی کنی. آدم گفت: دعایی به من تعلیم فرما. جبرئیل فرمود: بگو: خدایا! غیر از بهشت نیازهای دنیای مرا برآورده فرما و بر من لباس عافیت بپوشان، تا زندگی به کامم گوارا شود.»7

این روش را پیامبران بعد از وی (حضرت آدم (علیه السلام)) یکی پس از دیگری برگزیدند و بدین سان بود که بسیاری از انسان ها، به ویژه مؤمنان، در طول تاریخ بشریت، به این شغل پاکیزه و شریف روی آوردند.

در روایات اسلامی آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با هم درخت می کاشتند. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود: «کان امیرالمؤمنین یضرب بالمر و یستخرج الارضین، و کان رسول اللّه (صلی الله علیه وآله) یمص النوی بفیه و یغرسه فیطلع من ساعته...»؛8 امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، با بیل زمین را آماده می ساخت و پیامبر (صلی الله علیه وآله) هسته خرما را مرطوب می کرد و می کاشت... .

پیشوایان دینی، خود مربی و الگوی کامل تربیت اسلامی و انسانی اند و پیشروترین افراد در انجام کارهای نیک و شایسته می باشند ؛ از این رو، در انجام این امر مقدس، خود پیش قدم بوده اند. راوی می گوید: امام صادق (علیه السلام) را دیدم که جامه زبر کارگری بر تن و بیل در دست داشت و در میان درختان، سرگرم کار بود و چنان فعالیت می کرد که سراپای وجودش را عرق فراگرفته بود. در این حال، ابوعمروشیبانی وارد شد و امام را در آن حال تعب و رنج مشاهده کرد، پیش خود گفت: علت این که حضرت شخصاً بیل به دست گرفته است، شاید کمک یا کارگری پیدا ننموده است. جلو رفت و عرضه داشت: فدایت شوم! بیل را به من بده تا من به جای شما این کار را انجام دهم. امام فرمود: «نه ؛ من خودم دوست دارم که مرد برای تحصیل روزی خود رنج بکشد و آفتاب بخورد.»9

ابوبصیر یکی از یاران نزدیک امام صادق (علیه السلام) می گوید: حضرت فرمود: «انی لأعمل فی بعض ضیاعی حتی اعرق...»؛10 من میان زمین و باغ خود به گونه ای کار می کنم که عرق از سر و رویم می ریزد.

در این باره، تاریخ اسلام نکته های ارزنده و اعمال هدایتگری را برای ما به یادگار گذاشته است که به برخی از آن ها اشاره شد.11

علاوه بر روایات فراوانی که در تشویق و ترغیب به درختکاری ذکر شد، کاشتن درخت را می توان در زمره «عمل صالح» قرار داد و آن را از مصادیق آیات و روایاتی که بر آن تأکید کرده اند، دانست.

در پاره ای از روایات نیز، به این مطلب اشاره شده است ؛ چنان که در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمود: «ستّ خصال ینتفع بها المؤمن من بعد موته: ولد صالح یستغفر له و مصحف یقرأ منه و قلیب یحفره و غرس یغرسه و...»؛12 مؤمن پس از مرگ از شش خصلت سود می برد: فرزند صالح که برایش آمرزش بطلبد، قرآنی که خوانده، چاه آبی که حفر کرده و درختی که کاشته است... .

علی بن ابی حمزه می گوید: حضرت امام کاظم (علیه السلام) را دیدم که در زمینی کشاورزی یا درختکاری می کند ؛ به گونه ای که عرق از قدم های مبارکش فرو می ریزد. عرض کردم: فدایتان شوم! غلامان کجایند؟ (چرا شما با این سختی کار می کنی و آن را به دیگران وا نمی گذارید؟) حضرت در پاسخ فرمود: آنان که از من و پدرم بهتر بودند، در زمین کار می کردند.

عرض کردم: آنان کیستند؟ فرمود: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، و همه پدرانم با دستان خویش در زمین کار می کردند. این عمل پیامبران، رسولان و جانشینان آنان و بزرگان شایسته خداوند است.13

حکایاتی در اهمیت درخت و درختکاری

الف) کسری و دهقان

روزی انوشیروان را عبور افتاد به صیدگاهی که در بعضی از قریه ها داشت. پیرمردی را دید که درخت زیتون نشاند.

کسری گفت: ای پیر زمانه! درخت نشاندن تو گذشته ؛ زیرا تو پیرمرد ناتوانی و درخت زیتون دیر بار می دهد.

پیرمرد گفت: کسانی که پیش از ما بودند، درخت نشانیدند، ما خوردیم، ما هم می نشانیم، بعد از ما می خورند.

بکاشتند و بخوردیم، کاشتیم و خورند چو بنگری همه برزگران یکدیگریم

انوشیروان، او را آفرین گفت و چهار هزار درهم به او داد. پیرمرد گفت: دیگران درخت می نشانند و چند سالی زحمت می کشند تا درختشان به بار بنشیند و حاصل بدهد، درخت من چه زود به بار نشست و حاصل داد.

انوشیروان چهار هزار درهم دیگری به او داد. پیرمرد گفت: برای هر درخت در هر سال یک مرتبه میوه است و من از درخت خود در یک ساعت، دو مرتبه بهره بردم و میوه چیدم.

انوشیروان گفت: آفرین و چهار هزار درهم دیگر به او داد و رفت. و گفت: اگر نزد این پیرمرد می ایستادم، تمام خزینه من در برابر کلمات چون جواهر او، کفایت نمی کرد.

ب) ایمن ماندن میوه درخت از کرم زدگی

حضرت عیسی (علیه السلام)، از شهری عبور می کرد که میوه ها و ثمر درختان آن شهر را کرم ها فاسد می کردند. مردم آن شهر به آن حضرت شکایت کردند و برای دفع و رفع آن جانوران و سلامتی میوه، دستور و دارویی تقاضا نمودند. حضرت فرمود: دوای آن با خود شماست، و علت فاسد شدن میوه های شما آن است که هنگام نشا کردن و کاشتن درخت، اول خاک می ریزید و بعد آب، و باید اول آب بریزید و بعد خاک، تا این که میوه های درختان شما دچار این آفت نشوند. مردم آن منطقه این فرمان حضرت عیسی (علیه السلام) را به اجرا گذارده و در نتیجه، میوه های آنان از این آفت محفوظ ماند.14

ج) درختان بهشت نیز باید در دنیا کاشته شود

حضرت امام باقر(علیه السلام) فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از کنار باغی عبور می کرد که صاحب آن مشغول کاشتن درخت بود. حضرت ایستاد و خطاب به آن شخص فرمود: می خواهی تو را دلالت و راهنمایی کنم به کاشتن درختی که بنیانش ثابت تر و میوه هایش زودرس تر و پاکیزه تر است و برای همیشه باقی بماند؟

عرض کرد: آری یا رسول الله! پدر و مادرم به فدایت. آن حضرت فرمود: صبح و شام بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لااله الاالله و الله اکبر». پس هر گاه تو این ذکر را بگویی، به خاطر هر ذکری ده درخت از انواع درختان، در بهشت برای تو کاشته می شود، و باقیات الصالحات همین اذکار است.

آن مرد عرض کرد: یا رسول الله! تو را گواه و شاهد می گیرم که من این باغستان را به عنوان صدقه به فقرای مسلمین که استحقاق دارند، واگذار نمودم.

خداوند تبارک و تعالی این آیه شریفه را نازل فرمود: «فَأمّا مَن أعطی وَ اتَّقی وَ صَدَّقَ بِالحسُنی فَسَنُیَسِّرُهُ لِلیُسری»15

قطع درختان در آموزه های اسلامی

جنگل ها و درختان از نعمت های بزرگ الهی اند که باید قدر آن ها را دانست و در نگهداری و پاسداشت آن ها از هیچ کوششی دریغ نورزید.

قرآن کریم می فرماید: «وَ هُوَ الّذِی أَنشَأَ جَنّاتٍ مَعرُوشاتٍ وَ غَیرَ مَعرُوشاتٍ وَ النَّخلَ وَ الزَّرعَ مُختَلِفاً اُکُلُهُ وَ الزَّیتُونَ وَ الرُّمانَ مُتَشابِهاً وَ غَیرَ مُتَشابِهٍ کُلُوا مِن ثَمَرِه إذا أَثمَرَ وَ أَتُوا حَقَّه یَومَ حَصادِهِ وَ لا تُسرِفُوا إنَّه لا یُحِبُّ المُسرِفینَ»؛16 و اوست که باغ هایی با داربست و بی داربست و خرما بن و کشتزار با خوردنی هایی گوناگون و زیتون و انار، همگون و ناهمگون آفریده است؛ از میوه اش چون بار آورد، بخورید، و حق (مستمندان) را از آن، روز درو (یا چیدن) آن بپردازید و گزافکاری نکنید که او گزافکاران را دوست نمی دارد.

برخی از پیام های این آیه شریفه، عبارتند از:

الف) نخست خدای سبحان، درختان و میوه های آن ها را از مواهب الهی ونعمت های ارزنده زمین قلمداد کرده است و به بهره برداری از آن ها فرمان می دهد.

ب) در پایان آیه شریفه تأکید می کند که هرگز در استفاده از جنگل ها و درختان، زیاده روی (اسراف) نکنید، و بدین نهی صریح نیز اکتفا نکرده و در پایان می فرماید: خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

اسراف، مصرف بی رویه و تجاوز از حد اعتدال در بهره برداری از نعمت های الهی است. بدون شک، قطع بی رویه درختان و تخریب جنگل ها به گونه ای غیر اصولی از مصادیق بارز اسراف است.

در منابع روایی اسلام، به شدت از قطع درختان و تخریب جنگل و آلوده کردن محیط زیست منع شده است. بر این اساس، همواره به رزمندگان اسلام سفارش می شود، تا در صورت پیروزی بر دشمن از قطع درختان بپرهیزند. چنان که امام صادق(علیه السلام) فرمود: هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) گروهی را به جهاد می فرستاد، به آنان چنین رهنمود می داد: «لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شیخاً فانیاً و لا صبیاً و لا تقتلوا شجرا، الا ان تضطروا الیها»؛17 مبادا به کشتن زنان، پیران و کودکان مبادرت نمایید و از قطع درختان بپرهیزید ؛ مگر این که ضرورتی در میان باشد.

و نیز در روایات، بریدن درخت خرما، مکروه18 شمرده شده و حتی در جنگ با کفار و مشرکین از بکار بردن مواد سمی و آلوده کننده محیط زیست، منع شده است. چنان که در روایتی از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «امام علی(علیه السلام) فرمود: پیامبر(صلی الله علیه وآله) از ریختن مواد سمی در سرزمین های مشرکین، نهی فرموده اند.»19

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) مسلمانان را از قطع درختان مدینه نهی کرده و فرمود:«درختان مدینه نباید قطع شود.»20

در زمان آن حضرت (صلی الله علیه وآله)، درخت «سدر» در شبه جزیره عربستان فراوان بود. حضرت درباره قطع آن فرمود:«من قطع سدره، صوب الله رأسه فی النار»؛21 هر کس درخت سدر را قطع کند، خداوند با سر او را در آتش جهنم خواهد انداخت.

در روایت دیگر، حضرت (صلی الله علیه وآله) نابودی درخت، به ویژه درخت خرما را نهی فرمود: «درختان را آتش نزنید، آن ها را با آب ویران نکنید، درختان میوه دار را قطع نکنید، مزرعه ها را نسوزانید.»22

همچنین در روایتی از امام صادق(علیه السلام) وارد شده که فرمود: «لا تقطعوا الثمار، فیصب الله علیکم العذاب صبا»؛23 درختان میوه دار را قطع نکنید که این عمل موجب عذاب الهی است.

در احادیث یاد شده دو نکته، بسیار قابل توجه است:

1ـ قطع کردن درخت در ردیف کشتن کودکان، زنان و پیرمردان قرار گرفته و این بیانگر آن است که از نظر پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) این موضوع بسیار مهم بود و اهمیتی ویژه داشت.

2ـ وقتی در بحران جنگ، بریدن، آتش زدن و در آب فرو بردن درختان جایز نباشد، در زمان صلح و آرامش، به طریق اولی، این کار جایز نیست.

شایان ذکر است که روایات یاد شده، بیانگر آن است که قطع بی رویه و نابجای درختان، مجاز نیست. یعنی در صورتی که مقدار آن ها به اندازه نیاز جامعه یا کمتر از آن باشد، قطع آن ممنوع است؛ ولی اگر مقدار آن ها بیش از احتیاجات جامعه باشد یا بریدن و کندن آن ها به منظور بهسازی و کاشت درختان مناسب تری باشد، قطع آن ها مانعی ندارد.24

از مطالب ذکر شده نتیجه می گیریم که جنگل ها و درختان در زندگی انسان و سایر موجودات زنده، نقش حیاتی دارند. در شریعت اسلام، به درخت و درختکاری و سبزه و سبز نگهداشتن محیط زیست بسیار تأکید شده است؛ به گونه ای که حتی در بحبوحه جنگ از تخریب جنگل ها و قطع درختان به شدت نهی شده است و حتی در جنگ با مشرکان نیز از ریختن مواد سمی در سرزمین آن ها نهی شده است.

قلع و قمع کردن درختان، و تخریب جنگل ها، سربرآوردن کارخانه های صنعتی در باغ ها و مزارع و خلاصه تجاوز افسار گسیخته انسان عصر تکنولوژی و ارتباطات، بر حریم طبیعت و محیط زیست، پیامدهای وخیمی در پی خواهد داشت و آسیب های جدی فراوانی بر پیکره محیط زیست وارد خواهد نمود. هم اکنون آلودگی فزاینده هوا در جهان، به گونه ای است که بیماری هایی چون آسم، ضعف اعصاب و روان و مرگ و میرهای ناگهانی ناشی از آن، و... بسیار شایع شده و آماری سرسام آور به دست می دهد.

درخت، یعنی زندگی؛ درخت، یعنی اکسیژن؛ از این رو، توسعه جنگل ها، کاشتن درخت و ایجاد فضای سبز، از وظایف اسلامی و اجتماعی مسلمانان محسوب شده و باید بدانیم که تبیین مبانی اصیل اسلامی آن برای مردم و مسؤولان مربوطه، نقش اساسی را در انجام این وظیفه، بر عهده خواهد داشت. بنابراین، لازم است که دلسوزان جامعه و دست اندرکاران مسائل محیط زیست و منابع طبیعی از تأثیر شگرفی که تلاش های فرهنگی و دینی در قلمرو سالم سازی محیط زیست و حفظ منابع طبیعی دارد، غفلت نکنند و سهم روشنگری دینی را در این باره دست کم نگیرند.

\* تنها راه حفظ منابع طبیعی و داشتن محیط زیست سالم، این است که فرهنگ منابع طبیعی به معارف عمومی تبدیل شود.

جهت حسن ختام این نوشتار، سخن مقام معظم رهبری را که به مناسبت هفته منابع طبیعی، در اسفند 1366، درباره درختکاری ایراد فرموده اند، ذکر می کنیم، باشد که همگی در نهضتی فراگیر، در حفظ و حراست از منابع طبیعی خدادادی و سرسبزی کشور عزیزمان، ایران، بپاخیزیم.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«... برای چنین اقدامی، البته ابعاد گسترده فرهنگی و اهمیت افزایش آگاهی و آموزش عمومی نباید فراموش شود... برای سر سبز نگاه داشتن کشور باید نهضتی فراگیر بپا شود؛ نهضتی که آحاد مردم در آن سهیم باشند. همان گونه که دیروز وامروز، همگی برای حفظ ایمان و اعتقاد و اخلاق قیام کردند.»

همچنین در اهمیت درختکاری فرمودند:

«در تعلیمات دینی ما و در سنت انبیا و اولیا(علیهم السلام) درختکاری، آبیاری، و به طور کلی، آبادسازی زمین و مزرعه و مرتع و پرورش دام و طیور، عبادت محسوب می شود.»

پی نوشت ها:

1ـ شهید ثانی، شرح لمعه، ج 5، ص 486؛ محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج 31، ص 397.

2ـ الفقه، کتاب النکاح، ج 5، ص 533.

3ـ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 36، ص 508.

4ـ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 12، ص 198.

5ـ همان، ص 25.

6ـ همان، ح 3.

7ـ شیخ کلینی، اصول کافی، ص 260، ح 4.

8ـ همو، فروع الکافی، ج 5، ص 74؛ شیخ حر عاملی، همان، ص 22، ح 2.

9ـ شیخ کلینی، همان، ص 76، ح 13.

10ـ همان، ص 77، ح 15.

11ـ ر.ک: تاریخ زندگانی امامان معصوم، به عنوان نمونه تاریخ زندگی امام علی (علیه السلام)، بحارالانوار، ج 41، ص 58.

12ـ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 103، ص 64.

13ـ شیخ کلینی، همان، ص 75؛ شیخ حر عامی، همان، ج 12، ص 23؛ علامه مجلسی، همان، ج 48، ص 115؛ ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج 3، ص 147.

14ـ شیخ صدوق، علل الشرایع، ص 574، باب 376، حدیث اول؛ علامه مجلسی، همان، ج 100، ص 63.

15ـ شهید فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج 2، ص 370؛ محمدبن خالد برقی، محاسن، ص 37؛ بحارالانوار، ج 83، ص 257؛ شیخ کلینی، فروع الکافی، ج 4، ص